



Volume 4, Issue 1, 2026

## Analysis of the Invalidity of a Transaction Based on Criminalization (a Comparative Study in Jurisprudence, Iranian and Egyptian Law)

Amin Karimpour Aliabad<sup>1\*</sup>, Mohammad Bagher Amerinia<sup>2</sup>, Zahra Beheshti<sup>3</sup>

1. Department of Law, Yas. C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran: (Corresponding Author).
2. Department of Law, Yas. C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
3. Department of Private Law, Yas. C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 93-104**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0002-1896-4292

**TELL:** +989173109909

**Email:** 4231891915@iau.ir

**Article history:**

**Received:** 14 Sep 2025

**Revised:** 04 Oct 2025

**Accepted:** 18 Nov 2025

**Published online:** 28 Mar 2026

**Keywords:**

*Prohibition of Transaction, Criminalization of Transaction, Fundamental Rule, Invalidity of Transaction.*

### ABSTRACT

This study aims to analyze the invalidity of contracts based on criminalization within Islamic jurisprudence, Iranian law, and Egyptian law. It examines the foundations, elements, and effects of contractual invalidity from a jurisprudential perspective, as well as its criminalization under the penal systems of Iran and Egypt. The findings indicate that in Imami jurisprudence, and consequently in Iranian law, invalidity and defectiveness are generally considered synonymous. Whenever a religious prohibition pertains to the essence of a contract, that transaction is deemed defective and therefore void. Articles 190, 217, 365, and 366 of the Iranian Civil Code regard the legitimacy of the cause, compliance with the conditions of validity, and conformity with public order as fundamental elements of contracts. Moreover, the criminalization of unlawful transactions in Iranian law represents a modern manifestation of religious prohibition and serves as a tool for preventing economic corruption. In the Egyptian legal system, contractual invalidity is likewise grounded in Islamic Sharia, while also being influenced by the Romano-Germanic legal tradition. Articles 136 and 142 of the Egyptian Civil Code consider invalidity to be the result of the absence of a lawful cause or conflict with public morals and public order, reflecting a form of equivalence between defectiveness and invalidity of contracts and ultimately leading to the criminalization of defective and void transactions. This comparative study demonstrates that Iran places greater emphasis on jurisprudential and customary foundations, whereas Egypt adopts a hybrid approach that also takes into account the moral and economic dimensions of invalidity. Overall, this analysis presents contractual invalidity as a shared yet evolving mechanism aimed at preserving public order and trust within Islamic legal systems.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

**How to Cite This Article:** Karimpour Aliabad, A; Amerinia, MB; Beheshti, Z (2026). "Analysis of the Invalidity of a Transaction Based on Criminalization (a Comparative Study in Jurisprudence, Iranian and Egyptian Law)". *Journal of International Criminal Law*, 4(1): 93-104.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

## تحلیل بطلان معامله بر مبنای جرم‌انگاری کیفری (مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و مصر)

امین کریم‌پور علی‌آباد<sup>۱</sup>، محمدباقر عامری‌نیا<sup>۲</sup>، زهرا بهشتی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران: (نویسنده مسئول).

۲. گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بطلان معامله بر مبنای جرم‌انگاری کیفری در فقه، حقوق ایران و مصر، به بررسی مبانی، ارکان و آثار بطلان معامله از منظر فقهی و جرم‌انگاری آن بر مبنای نظام کیفری ایران و مصر پرداخته است. نتایج نشان داد که در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ایران، بطلان و فساد اغلب مترادف دانسته شده و هرگاه نهی شرعی به ذات عقد تعلق گیرد، آن معامله فاسد و در نتیجه باطل محسوب می‌شود. قانون مدنی ایران در مواد ۱۹۰، ۲۱۷، ۳۶۵ و ۳۶۶، مشروعیت جهت، رعایت شرایط صحت و انطباق با نظم عمومی را از ارکان اساسی معاملات دانسته است. از سوی دیگر، جرم‌انگاری معاملات نامشروع در حقوق ایران جلوه‌ای مدرن از نهی شرعی و ابزاری برای پیشگیری از مفاسد اقتصادی محسوب می‌شود. در نظام حقوقی مصر نیز بطلان بر پایه‌ی شریعت اسلامی و با تأثیرپذیری از نظام حقوقی رومی-ژرمنی تنظیم شده است. مواد ۱۳۶ و ۱۴۲ قانون مدنی مصر، بطلان را نتیجه‌ی فقدان سبب مشروع یا تعارض با اخلاق حسنه و نظم عمومی دانسته و نوعی همسانی میان فساد و بطلان معامله و در نهایت جرم‌انگاری معاملات فاسد و باطل در نظر گرفته است. مطالعه تطبیقی حاضر نشان می‌دهد که ایران بیشتر بر مبانی فقهی و عرفی تأکید دارد، در حالی که مصر با رویکردی ترکیبی، ابعاد اخلاقی و اقتصادی بطلان را نیز در نظر گرفته است. این تحلیل، بطلان معامله را سازوکاری مشترک اما متحول در راستای حفظ نظم و اعتماد عمومی در نظام‌های حقوقی اسلامی معرفی می‌کند.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۳-۱۰۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۴۲۹۲-۱۸۹۶-۰۰۰۲-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۷۳۱۰۹۹۰۹

ایمیل: 4231891915@iau.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

نهی از معامله، جرم‌انگاری معامله، قاعده اصولی، بطلان معامله.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

در نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی، همچون ایران و مصر، مفهوم «بطلان معامله» از بنیادی‌ترین مفاهیم در تضمین مشروعیت روابط حقوقی و اقتصادی است. بطلان در این معنا نه صرفاً یک نهاد مدنی، بلکه ابزاری برای جلوگیری از نفوذ معاملات نامشروع، تضییع حقوق افراد و اخلال در نظم عمومی تلقی می‌شود. با وجود این، پیوند میان بطلان معامله و جرم‌انگاری کیفری از منظر فقهی و حقوقی، همواره محل بحث و تفسیر بوده است؛ به‌ویژه اینکه در بسیاری از موارد، نهی شرعی از یک عمل یا قرارداد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم آثار کیفری نیز در پی دارد. از سوی دیگر، تبیین مرز میان «بطلان حقوقی» و «ممنوعیت کیفری» در عمل دشوار است. به این دلیل که در نگرش فقهی، فساد و بطلان یک معامله در هم تنیده شده است و اغلب، وجود فساد در معامله را دلیلی بر بطلان آن در نظر می‌گیرند که رویکردی مطلق داشته و تنها در سال‌های اخیر، نوعی رویکرد نسبی‌گرایی بر برخی از مصادیق و موارد بطلان معامله افزوده شده است. رویکرد اخیر در نزد نسل اولیه حقوقدانان مصری که تحت تأثیر آموزه‌های فقه اهل سنت بوده‌اند، قابل مشاهده است، اما در طی سال‌های اخیر و در دهه ۱۹۹۰، در حقوق مصر، این نهی می‌تواند منجر به بطلان مطلق، نسبی یا حتی بی‌اثر بودن جزئی عقد گردد. با این حال، ابهام در حدود و آثار بطلان، به‌ویژه در جایی که عمل حقوقی ماهیت کیفری نیز پیدا می‌کند (مانند معاملات مبتنی بر رشوه، اختلاس یا اغراض نامشروع)، موجب بروز چالش‌هایی در تفسیر وحدت یا تمایز میان دو نظام شده است. از این رو، ضرورت دارد که بطلان معامله نه صرفاً به‌عنوان یک حکم مدنی، بلکه در پیوند با جرم‌انگاری و سیاست کیفری قانون‌گذار مورد تحلیل تطبیقی قرار گیرد تا بتوان حدود تأثیر نهی شرعی، فهم عرفی و اراده قانون‌گذار را در شکل‌گیری نظریه بطلان روشن ساخت. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که چگونه جرم‌انگاری کیفری در ایران و مصر، به‌عنوان جلوه‌ای از نهی فقهی یا قانونی، در تحقق مفهوم بطلان و تنظیم روابط معاملاتی مؤثر واقع می‌شود.

در همین راستا، مسأله اصلی پژوهش حاضر آن است که نسبت میان بطلان معامله و جرم‌انگاری کیفری چگونه قابل تبیین

است و چه تفاوتی میان رویکرد فقهی، نظام کیفری ایران و نظام کیفری مصر وجود دارد؟ آیا بطلان معامله همواره بر پایه‌ی جرم‌انگاری و نهی قانونی شکل می‌گیرد، یا می‌توان آن را مفهومی صرفاً مدنی و فاقد اثر کیفری دانست؟ در ایران، قواعدی همچون دلالت نهی بر فساد، نامشروع بودن جهت معامله و مخالفت با نظم عمومی، از مبانی اصلی بطلان محسوب می‌شوند؛ درحالی‌که در مصر، علاوه بر اصول شرع، معیارهای اخلاقی و نظم عمومی مدرن نیز در تعیین مشروعیت معاملات نقش دارد.

## ۱- بطلان معامله در قوانین ایران و مصر

یکی از موارد جرم‌انگاری مربوط به مواردی است که بطلان معامله به دلایل متعددی از جمله نهی معامله یا فساد آن مطرح شود. در نظام حقوقی ایران، ورود جهت نامشروع در عرصه معامله یا توافق، موجبات بطلان آن را فراهم می‌آورد. این بطلان به‌واسطه امور مخالف قواعد آمره از جمله مخالفت با نظم عمومی یا حقوق دیگران و ضرر رساندن به آنان است (صفایی، ۱۳۸۶: ۳۶۴). این دیدگاه هم ریشه در فقه دارد که به موجب آن، هر وقت معامله بر بنای نامشروع بنیان شود، قرارداد نیز باطل خواهد شد. یعنی اگر طرفین معامله بر سر موارد نامشروع توافق نمایند، معامله باطل خواهد بود، هرچند که این موارد نامشروع در صورت شروط نیز قید نشده باشد (انصاری، ۱۴۱۵، ۱۲۳). به عبارت دیگر معامله نامشروع یعنی اینکه جهت و ابعاد آن بر فساد بنا شده باشد و به دلایل متعددی از سوی شرع نهی شده باشد. این نهی شدن به معانی برحذر داشتن از انجام معامله بر خلاف شریعت و منافع و مصالح عمومی است. در نصوص قانونی نیز ماده ۱۹۰ قانون مدنی مشروعیت جهت معامله را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی صحت معامله لحاظ کرده است. بنابراین ضمانت اجرای فقدان یکی از شرایط بنیادین صحت معامله، بطلان است. به همین دلیل ماده ۲۱۷ قانون مدنی، نامشروع بودن جهت معامله را باعث بطلان عقد در نظر گرفته است. حسب بخشی از ماده ۲۱۷ قانون مدنی، در صورت تصریح جهت در معامله، این جهت باید مشروع باشد، در غیر این صورت قرارداد باطل است (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷). به هر صورت بطلان، اشاره به وضعیت حقوقی عقدی است که از ابتدا هیچ اثری نداشته و وضعیت

حقوقی نیز پیدا نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۹۷). در این صورت پرداختن به اسباب، ارکان و مقتضیان بطلان معامله در نظام حقوقی ایران امری مهم و اثرگذار بر تعریف بطلان معامله و جرم‌انگاری آن حسب عرف یا آموزه‌های شریعت است.

در قانون مدنی قدیم مصر که در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۸۸۳ صادر شد، قاعده‌ی کلی در خصوص «بطلان» وجود نداشت، اما برخی مواد در مجموعه‌ی مدنی، در موارد خاص به بطلان اشاره کرده بودند. پس از آن، قانون‌گذار مصری در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۸، قانون مدنی جدیدی را تصویب کرد که شامل چندین ماده درباره‌ی بطلان بود. از جمله، نظریه‌هایی مانند «کاهش قرارداد» و «تبدیل قرارداد» که از قوانین آلمان و سوئیس<sup>۱</sup> اقتباس شده بودند (Ashraf Nessim, 2018: 1). به طور ساده، «بطلان» در نظام حقوقی مصر، سازوکاری است که تضمین می‌کند قانون همان‌گونه که مقنن خواسته، اجرا شود. این هدف را از طریق سلب آثار از اعمال حقوقی «باطل» محقق می‌سازد. در اصطلاح حقوق کامن‌لا، این مفهوم معادل «Voidness» یا «Voidability» است، با این تفاوت که در نظام‌های کامن‌لا کاربرد محدودی دارد، درحالی‌که در حقوق مصر و دیگر نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی (حقوق نوشته) جایگاه گسترده‌تری دارد (Ashraf Nessim, 2018: 2). در نظام حقوقی مصر، بطلان به هر نوع رفتار حقوقی مربوط می‌شود که شامل دو عنصر اصلی است: اول آن‌که رفتار حقوقی باید قابلیت ایجاد اثر حقوقی داشته باشد، و دوم این‌که تحقق این اثر بدون مداخله‌ی اراده‌ی شخص حقیقی یا حقوقی ممکن نباشد (Ashraf Nessim, 2018: 2). به بیان دیگر، بطلان معامله، نظامی است که اراده‌ی اشخاص حقوقی را از ایجاد آثار حقوقی غیرمجاز بازمی‌دارد. این نظام در واقع نوعی «نظام اعتبارسنجی» است که پس از انجام اعمال حقوقی، آن‌ها را بررسی می‌کند: اگر مطابق قانون باشند، آثارشان باقی می‌ماند، و اگر نباشند، آثار آن‌ها از میان برداشته می‌شود.

وجه دیگر مرتبط با بطلان معامله در نظام حقوقی مصر، توافق و رضایت طرفین بر سر مفاد یک قرارداد است تا شرایط صحت آن عملیاتی شود. از این منظر در نزد حقوقدانان مصری و حتی در رویه قضایی این کشور، عناصر اثرگذار بر ابطال معامله به رضایت و مشخص بودن قیمت توجه زیادی نشان می‌دهند. در نظام حقوقی مصر، قراردادهای بیع ابزارهای حقوقی الزام‌آوری هستند که دو طرف قرارداد را متعهد و داین و مدیون یکدیگر می‌سازند. در این نوع قرارداد، فروشنده مالکیت مال معینی را به خریدار منتقل می‌کند و در مقابل، خریدار متعهد به پرداخت عوض مالی (بهای توافق‌شده) می‌شود. از این منظر، قراردادهای بیع به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، ممکن است قرارداد ابتدایی بین طرفین باشد؛ دوم، ممکن است قرارداد نهایی باشد که نزد مرجع ذی‌صلاح، طبق شرایط مقرر در قانون (از جمله اداره ثبت املاک و مستغلات)، به ثبت می‌رسد.

قرارداد بیع تنها در صورتی صحیح و لازم‌الاجرا است که ارکان و شرایط اساسی صحت در آن رعایت شده باشد؛ از جمله رضایت طرفین با حسن نیت، موضوعی معین و قابل نقل و انتقال مشروع، و عوض مالی مشخص و موجود در برابر آن. برای تحقق بیع صحیح، باید بهای نقدی معینی در مقابل انتقال مالکیت مورد معامله وجود داشته باشد. افزون بر این، قیمت باید متناسب با ارزش مال فروخته‌شده باشد و عوض باید ماهیت مالی و پولی داشته باشد. اگر خریدار در ازای مال مورد معامله چیزی غیر از وجه نقد بپردازد، قرارداد از نوع معاوضه (مبادله کالا به کالا) محسوب می‌شود، نه بیع (Noor, 2022: 3). بر اساس اصل مشهور حقوقی «پکتاسونت سرواندا»، قراردادهای الزام‌آورند و جز با توافق طرفین یا به دلایل مقرر در قانون، قابل فسخ یا تغییر نیستند. همچنین هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند قیمت مورد معامله را به‌طور یک‌جانبه تعیین کند، زیرا این امر ممکن است منافع طرف مقابل را نادیده بگیرد. بنابراین، اگر یکی از طرفین قرارداد، صریحاً یا ضمناً در تعیین قیمت توافق نکرده باشد یا مبنایی برای شناسایی و تعیین

1- Contract Diminution

2- Contract Transformation

3- Validation System

4- Pacta Sunt Servanda

دلایلی از جمله لزوم مالیت در معاملات، سلب مالیت با نهی از جانب شارع، قرار گرفتن ثمن معامله در مقابل شرط و ثمن و تفکیک ناپذیر شرط و مشروط (داورپناه مقدم و ناصری مقدم، ۱۳۹۷: ۱۰۲)، حکم به بطلان معامله در این موارد اعلام می‌شود. در این شرایط، انجام معامله به مثابه نوعی جرم تلقی شده و کشف رفتارهای مجرمانه، بدیهی می‌نماید. نهی از خود معامله در نظام کیفری مصر، بدین صورت است که بطلان، قابل تقسیم به نسبی و مطلق نبوده و هر بطلانی به معنای معدوم شدن معامله و عقد است و عدم، قابلیت درجه‌بندی ندارد (السنه‌وری، بی‌تا، الف: ۴۸۹). در این رویکرد، عدم، مقوله‌ای بسیط در نظر گرفته شده که قابل رتبه‌بندی نیست (ابوالسعود، ۱۹۸۶: ۱۷۷). در چنین مواردی، بطلان معامله زمانی است که معامله از ابتدا معدوم باشد و در شرایطی که توضیح داده شد، هر معامله دارای جنبه کیفری بوده و قابل پیگیری در محاکم قضایی است.

#### ۲-۲- نهی از شرط در معامله (وصفی)

در نظام فکری اصولی در ارتباط با باب نهی، موضوعی تحت عنوان «هل نهی مقتضی فساد المنهی عنه» معین شده است (علم الهدی، ۱۳۷۶: ۱۷۱). در این رابطه اصولیون به دنبال آن بودن تا میان صحت یک معامله و فساد، رابطه برقرار کنند. مثالی که در این باره قابل ذکر است اینکه اگر مکلف به نهی توجه نشان ندهد و در زمان نماز جمعه، معامله‌ای انجام دهد، تکلیف معامله چیست؟ دیدگاه مطرح در این باره آن است که خرید و فروش در زمان اذان یا نماز درست نیست. بدین معنا که اصل معامله صحیح است، اما زمان مناسبی برای انجام آن در نظر گرفته نشده است. بنابراین حتی سرپیچی از اوامر و نواهی شرع می‌تواند عواقبی در پی داشته باشد که در نزد حقوقدانان نیز به چشم می‌خورد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۲۷).

#### ۲-۳- نهی از امر بیرونی

یعنی نهی مربوط به چیزی است که خارج از ماهیت معامله است، مانند مقدمات یا نتایج آن. برای مثال، «لا تسرق» یعنی دزدی نکن، اگر کسی مال مسروقه را بفروشد، این نهی به عمل دزدی تعلق دارد نه به خود بیع. بنابراین چنین نهی‌ای موجب بطلان معامله نمی‌شود، مگر اینکه قانون‌گذار به صراحت حکم به بطلان داده باشد. یا اینکه گاهی نهی تعلق گرفته از باب

قیمت ارائه ندهد، چنین بیعی باطل خواهد بود، زیرا یکی از ارکان اساسی تشکیل قرارداد (عنصر قیمت) تحقق نیافته است.

در اینجا به یکی از پرونده‌هایی اشاره می‌شود که دفتر حقوقی ما در آن نقش داشته است: در این پرونده، شوهر، ملکی از املاک خود را به همسرش منتقل کرده بود، بی‌آن که به صورت صریح یا ضمنی قیمتی برای آن تعیین کند یا مشخصه‌ای برای تعیین قیمت ارائه دهد. پس از درگذشت شوهر، وکیل وراث، آقای ماهر میلاد اسکندر، بر این نظر پافشاری کرد که این بیع به علت فقدان یکی از ارکان اساسی قرارداد بیع، یعنی «قیمت مشخص»، باطل است. دادگاه نیز رأی داد که قرارداد بیع به همین دلیل باطل است و اعلام کرد که عنصر قیمت، از عناصر اساسی عقد بیع است و فقدان آن منجر به بطلان کل قرارداد فروش می‌شود. (Noor, 2022: 4).

#### ۲- قواعد اصولی دال بر نهی فساد معامله

از منظر اصولی، دلایل و یا انواعی از فساد معامله وجود دارد که تحت عنوان اسباب نیز شناخته می‌شوند و نیازمند مصداق شناسی هریک از آنان است.

#### ۲-۱- نهی از خود معامله (ذاتی)

این نوع از نهی، نهی‌ای است که به موجب شریعت اعلام شده است و انجام آن به معنای بطلان معامله است. به طور مثال، «نهی النبی عن بیع الغرر» (پیامبر از معامله‌ی غرری نهی کرد). در اینجا نهی مستقیماً به معامله وارد شده و انجام آن موجب بطلان است. یا اینکه شیخ انصاری، معامله‌ای را که در آن، بایع، شرط فروش انگور را اقدام مشتری به تخمیر آن بگذارد، به چند علت مردود می‌داند. این معامله در زمره اعانت بر اثم و عدوان و مقرر به شرط فاسد که از توان مفسدیت برخوردار است، در نظر گرفته است (داورپناه مقدم و ناصری مقدم، ۱۳۹۷: ۱۰۲). دلیل دیگری که از سوی شیخ انصاری در بطلان معامله مطرح کرده است، اینکه معامله اخیر از نوع اکل مال به باطل است، به این دلیل که از یک طرف، منفعت حلالی مورد قصد نبوده و همچنین، منافع حرامی که مورد قرار گرفته است، از طرف شارع سلب مالیت اعلام شده است. بنابراین حرمت تصرف، فساد معامله را در پی خواهد داشت (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۲۳). در اینجا شرط و شروط به صورت توأمان است و به

است که در آن آمده است: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صحاب آن رد نماید». بنابراین وقتی حکم غاصب در عقدی اثبات شود، مال مقبوض باید به صاحب آن بازگردانده شود. دوم، می‌توان گفت جرم‌انگاری در نظام حقوقی امروز، صورت حقوقی و مدرن نهی شرعی است؛ به گونه‌ای که در قلمرو حقوق عرفی، قانون‌گذار از طریق تعیین وصف کیفری برای یک عمل، اراده‌ی خود را مبنی بر منع آن ابراز می‌نماید. سوم، بر اساس قاعده اصولی «دلالت نهی بر فساد»، هرگاه این نهی - چه در قالب شرعی و چه در قالب کیفری - به ذات یا ارکان اصلی معامله تعلق گیرد، اثر آن بطلان و فساد آن معامله خواهد بود؛ زیرا نهی در این فرض متوجه نفس عقد و سبب نقل و انتقال است. چهارم، در مقابل، اگر جرم‌انگاری ناظر به امری خارج از ذات معامله باشد، مانند نحوه انجام یا آثار تبعی آن، نهی مزبور موجب بطلان معامله نخواهد شد، هرچند ممکن است انجام‌دهنده از جهت کیفری مسئول شناخته شود.

نظام کیفری در مصر به نحوی است که نهی از معامله را با توجه به بطلان معامله در نظر گرفته است و تحت عنوان معامله باطل از آن یاد کرده که در برابر «صحت» معامله قرار می‌گیرد (السنهوری، بی‌تا: ۴۸۰). در این دیدگاه، معامله و عقد باطل، به عنوان یک عقد صحیح تولید اثر نمی‌کند، اما اگر عقد باطل تا وقتی که توسط دادگاه، اعلام بطلانش روشن نشود، آثار آن نمایان است (ابولسعود، ۱۹۸۶: ۱۹۰). بدین ترتیب باید گفت که در سال‌های اخیر برخی تفاسیر جدیدی شکل گرفته است که رویکردهای نسبی در معاملات را نیز وارد کرده است و با لحاظ نمودن برخی شرایط، نسبت به پیامدها و نتایج یک عمل توجه نشان داده و آن را ملاکی برای باطل تلقی کردن یک معامله لحاظ نموده است. بنابراین در شرایطی که نهی از معامله به دلیل بطلان آن، فعلیت پیدا کند، جرم بودن آن محرز است، به این دلیل که در بطلان بودن آن تردیدی وجود ندارد، همچنان که صحت نداشتن معامله، دلیلی برای جرم بودن آن تلقی می‌شود.

### ۳-۱- نقش فهم عرفی در بطلان معامله

بدون تردید عرف، جرم‌انگاری یک عمل را نهی قانونی و گناه شماری عمل را نهی شرعی از آن معامله و عمل تلقی نماید

اینکه سببی را ایجاد خواهد نمود که آن مسبب فی‌نفسه مورد نهی و مغبوضیت شارع است؛ نظیر نهی از بیع مسلمان یا کافر؛ در این باره نهی نه به بیع، بلکه در واقع متعلق به مسبب مورد نهی شارع است و آن تسلط یافتن کافر بر مسلمان است (شیخ انصاری، ۱۴۲۵: ۷۵۳). در این باره نیز نهی خارج از معامله بوده و موارد دیگری که با معامله مرتبط هستند، سوی شارع نهی شده است.

### ۳-۳ جرم‌انگاری معامله به دلیل نهی از معامله

هنگامی که قانون‌گذار انجام نوع خاصی از معامله را جرم تلقی می‌کند، در واقع از آن معامله نهی نموده است؛ زیرا جرم‌انگاری به‌منزله‌ی منع صریح و قاطع از ارتکاب آن فعل است و از لحاظ مفهومی همان کارکرد نهی را در حوزه تقنین دارد. یکی از این موارد، «علم مالک به بطلان معامله» است؛ یعنی اگر مالک اطلاع داشته که عقد باطل است، اما مال خود را به طرف مقابل که از بطلان عقد اطلاعی ندارد، تسلیم نماید، مرتکب غرور شده و اگر دریافت‌کننده مال بعد از دریافت آن، پی به بطلان عقد ببرد، نه تنها تصرف او حرام نیست، بلکه برای وی هیچ ضامنی نخواهد داشت (قدیری، ۱۴۰۷ق: ۱۴۸). بنابراین حتی اگر گیرنده مال مطلع باشد که عقد باطل است، اما با این حال مال را دریافت نماید، تصرف وی ممنوع نیست، به این دلیل که مالک با تسلیم مال، به‌صورت ضمنی به گیرنده مال اذن در تصرف داده است. در این حالت، با بیع عملی جز تملیکی که از نظر قانون‌گذار مردود است، مرتکب نشده است، اما این اقدام وی دارای آثاری است؛ از جمله اینکه اذن و تملیک چون شرایط خاصی دارند که تحقق نیافته است، نافذ نیست، اما اذن، از نظر قانون‌گذار شروطی ندارد. اذن بدون اینکه نیازمند شرایط خاص باشد، موجب جواز تصرف است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۹۵). به هر جهت، بیع فاسد در نظام فقهی و حقوقی ایران، مقدمه بطلان معامله است یا تفاوتی با یکدیگر ندارند. همین رویه به نحوی در ماده ۳۶۶ قانون مدنی نیز مطرح شده است که می‌گوید: «هرگاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود، ضامن عین و منافع آن خواهد بود». حتی در موارد دیگری از قانون مدنی، غصب مال دیگری به‌منزله افساد و در نهایت بطلان معامله خواهد بود. نظیر آنچه در ماده ۳۱۱ قانون مدنی مطرح شده

۴-۱- ارتباط فساد و بطلان معامله در حقوق ایران و مصر  
مقایسه نظام کیفری ایران و مصر در ارتباط با بطلان معامله نشان‌دهنده آن است که در نظام فقهی، میان فساد و بطلان معامله، تفکیک چندانی دیده نشده است و حتی در موارد متعددی، این دو اصطلاح به جای هم به کار رفته‌اند. بنابراین در ارتباط با همسانی مفهوم بطلان و فساد، بیان شده که باطل و فساد هر دو دارای ماهیت واحدی هستند، به این جهت که، بحث یاد شده، دائر مدار تأثیر یا عدم تأثیر است که تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و به جای هم به کار می‌روند (آل بحر العلوم، ۱۳۶۲: ۱۲۵). این همسانی بیشتر از منظر اثری است که بر جای می‌گذارند و باطل و فساد در اینجا همسان تلقی می‌شوند. همین رویه نیز در نظام حقوقی ایران از جمله در نزد حقوقدانان تداوم یافته و فساد و بطلان نیز مترادف در نظر گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۰۰؛ شهیدی، ۱۳۷۹: ۲۳). موارد قابل توجهی از نصوص قانونی نیز دیده می‌شود که بر مبنای همین رویکرد، تمایزی میان فساد و بطلان معامله لحاظ نشده است. از جمله ماده ۳۶۵ قانون مدنی است که در این ماده آمده است: «بیع فاسد اثری در تملک ندارد». یا اینکه در ماده ۳۶۶ همین قانون آمده است: «هر گاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود». یا اینکه در ماده ۸۱۳ قانون مزبور آمده است: «در بیع فاسد حق شفعه نیست».

این رویه یعنی بطلان معامله بر مبنای جرم انگاری کیفری به نحوی است که در آن، قانون‌گذار بر استرداد مال به صاحب اصلی تأکید دارد. در نزد حقوقدانان مصری، آثار بطلان معامله بر مال معامله‌شده به این صورت بیان شده که طرفین، می‌بایست آنچه را که در اثر معامله دریافت نمودند، به صاحب اصلی مسترد نمایند (السنهوری، بی تا: ۵۳۴). همچنین در جای دیگری نیز بیان شده که بازگرداندن مال به صاحب اصلی آن، جبران آثار بطلان معامله و ابطال عقد است (ابوالمسعود، ۱۹۸۶: ۱۹۳). این رویکرد در نظام حقوقی مصر نیز بازتاب یافته، همان‌طور که ماده ۱۴۲ از قانون مدنی مصر آمده است: «در دو حالت بطلان و ابطال عقد، طرفین به وضعیتی که قبل از معامله داشتند، بازگردانده می‌شوند». از یک جنبه دیگر، قانون‌گذار

از آنجاکه حقوق بر پایه عرف است. لذا این فهم عرفی به ما اجازه می‌دهد که قاعده دلالت نهی بر فساد به این مورد نیز تسری دهیم. همان‌طور که در نزد فقها نیز چنین مطرح شده است که مناط در حق و بطلان، عرف بوده و این به معنای عدم صدور نهی از ناحیه شرع مقدس نیست، بلکه شارع نیز اغلب از این عناوین نهی می‌نماید (موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۱۱۹). بنابراین اگر زادگاه مالیت در عرف قابل استنباط است، باید از مصادیق عرفی در شناسایی جرم‌انگاری و نهی قانونی نیز بهره برد. اگر عرف یا عقلانیت بشری در عرف یک جامعه، باعث ایجاد مالیت باشد، عنوان باطل از ناحیه شرع بیشتر جنبه تعدی دارد و باطل شدن معاملات از ناحیه عقل و عرف نیز وجه دیگری از ارتباط فساد یک معامله است که در قوانین نیز باید نمود پیدا کند و نوعی جرم‌انگاری مدرن را سامان ببخشد. در نظام کیفری مصر نیز تغییراتی صورت گرفته است و اطلاق بطلان به یک معامله، متأثر از عوامل مختلف به نوعی نسبی-گرایی سوق پیدا کرده است. در همین راستا، کاربرد عملی بطلان در نظام حقوقی مصر را می‌توان در چند موضوع مشاهده نمود: الف: طرح دعوی مستقیم برای ابطال یک عمل حقوقی، ب: استفاده از بطلان به‌عنوان ابزار دفاع در برابر دعوی خواهان، پ: یا ابطال کامل یا جزئی یک قرارداد. به‌طور کلی، کاربرد بطلان بستگی به نوع رفتار حقوقی و قوانین حاکم بر آن دارد (Ashraf Nessim, 2018: 2). بنابراین ایجاد دوگانگی از حیث «صحت» یا «بطلان» معامله که با فساد یکی و همسان انگاشته شده بود، در حال تغییر است و تغییرات عرفی به‌عنوان یک متغیر اثرگذار بر بطلان یک معامله یا جرم انگاری آن قابل مشاهده است.

۴- مقایسه نظام حقوقی ایران و مصر در باب بطلان معامله  
نظام حقوقی ایران و مصر بر مبنای نقش عرف یا شریعت، اصول و قواعدی را برای عینیت یافتن بطلان معامله مطرح کرده‌اند که در برخی موارد مشترک و در برخی از موارد نیز با هم تفاوت دارند. تقسیم معاملات به صحیح و باطل و نحوه ارتباطی که میان فساد در معامله و بطلان آن در نظر گرفته شده، از جمله مسائل مهم فقهی و نظام کیفری ایران و مصر است.

می‌تواند علیه چنین قراردادی اقامه دعوی ابطال کند. این قانون شامل تمام قراردادهای منعقدشده با دولت یا هر یک از نهادهای آن، از جمله شرکت‌های دولتی، می‌شود (Ahmed 2014: 2). بنابراین آنچه باعث فساد می‌شود، باعث بطلان معامله نیز خواهد شد. این رویه در نظام کیفری مصر به شیوه جرم‌انگاری، بدین صورت است که ارکان معامله را اعلام اراده، طرفین عقد و موضوع عقد در نظر گرفته است. در این رویه، اعلام اراده (ایجاب و قبول) به‌عنوان رکن عقد و مجموع رکن عقد و موضوع عقد را نیز اصل عقد در نظر گرفته است (الجزیری، ۱۹۸۶: ۲۰۰). بنابراین اگر معامله‌ای، شرایط فوق را نداشته باشد، صحیح نیست و اوصاف صحت عقد بر آن قابل اطلاق نخواهد بود. این بدان معناست معامله‌ای که شروط یاد شده را نداشته باشد، منشأ فساد خواهد بود و بطلان معامله به سبب فساد نیز واضح است. به‌طور مثال در یک معامله، اگر خریدار یا فروشنده ماشین یا ملک، نسبت به انجام معامله رضایت نداشته باشد و شرط اول یعنی ایجاب و قبول را در معامله وارد نسازند، معامله دارای اعتبار نبوده و از نظر کیفری، مجازاتی را برای فاعلان جرم در نظر می‌گیرد.

#### ۲-۴- ارکان ابطال معامله در فقه و حقوق و حقوق مصر

در نظام فقهی، نوعی رویکرد مطرح شده که بر دلالت مطلق نهی بر فساد توجه دارد. در این باره برخی از علمای شیعی بر این باور هستند که نهی، بر فساد دلالت دارد و باعث بطلان معامله است و تفاوتی ندارد که نهی در معاملات باشد یا اینکه در عبادات باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ۱۴۰). طرفداران این رویکرد بر این باور هستند که مکلف برای حسن و مصلحت وظایفی که بر وی محول شده است، نوعی مسؤولیت دارد؛ نظیر نماز، روزه، بیع و... اما منهی عنه دلالت بر مفسده دارد و مفسده بر مصلحت جایگزین نمی‌گردد، چراکه این دو برخلاف یکدیگر هستند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۶۱). در نزد سایر فقها نیز چنین بیان شده که اگر نهی بر فساد دلالت کند، از نهی این رویکرد، نهی و عدم بر فعل نیز اثبات می‌گردد و از اثبات آن، حکمتی که بر صحت فعل دلالت می‌کند و این الزام باطل است؛ زیرا دو حکمت در یک فعل و آن هم به شیوه تضاد غیرممکن است و متعارض هستند. بنابراین ساقط است و اگر یکی ارجح باشد، ترجیح بلا مرجح حاصل می‌گردد (شهید ثانی، بی‌تا: ۹۷). در

مصری، آثار بطلان معامله در رد مال به نفع صاحب اصلی آن را از منظر اخلاقی نیز مدنظر قرار داده است. همان‌طور که ماده ۲۰۱ و از جمله بند سوم از پیش‌نویس مقدماتی قانون جدید مصر بیان داشته است: «کسی که به تعهد خلاف اخلاق حسنه وفا کرده نمی‌تواند آنچه را داده است پس بگیرد مگر اینکه در تعهد خویش مخالف اخلاق حسنه عمل نکرده باشد». ماده اخیرالذکر در قانون مدنی مصر نشانگر توجه به عرف در شناسایی آثار ناشی از بطلان معامله است که همسو با قوانین ایران، نقش عقل و عرف در شناسایی تبعات ناشی از بطلان معامله را لحاظ نموده است.

بطلان به‌طور مساوی در تمام جنبه‌های حقوق خصوصی و حتی حقوق عمومی کاربرد دارد. این مفهوم تقریباً در تمام شاخه‌های حقوق مصری حضور دارد، هرچند ماهیت آن در هر شاخه تفاوت‌هایی دارد. در حقوق مدنی، بطلان زمانی مطرح می‌شود که یک عمل حقوقی یا قرارداد باطل است، یا فقط بخشی از آن باطل می‌باشد، و در چنین مواردی قانون تعیین می‌کند چگونه باید رفتار شود. در حقوق کیفری (قانون آیین دادرسی کیفری مصر)، بطلان ماهیتی مستقل دارد، زیرا ماده‌ی خاصی که موارد بطلان را تعیین کند وجود ندارد. در عمل، هرگاه تشریفات قانونی رعایت نشده باشد، آن اقدام «باطل» تلقی می‌شود. در نهایت اینکه در حقوق شرکت‌ها، بطلان شکل دیگری دارد؛ نه تنها قانون شرکت‌ها مقرراتی درباره‌ی بطلان دارد، بلکه اساسنامه‌ی شرکت نیز می‌تواند شرایطی را برای ابطال تصمیمات نهادهایی مانند مجمع عمومی یا هیئت مدیره مقرر کند (Ashraf Nessim, 2018: 2). اما قانون جدید، طرح دعاوی ابطال قرارداد منعقدشده با دولت یا هرگونه رویه یا حکمی که منجر به انعقاد چنین قراردادی می‌شود را توسط هر یک از طرفین، به‌جز موارد زیر، ممنوع می‌کند:

الف) یکی از طرفین قرارداد، یا

ب) اشخاص ثالثی که بر دارایی‌ها یا وجوه موضوع قرارداد حق دارند.

این قانون در مواردی که قرارداد بر اساس جرم رشوه یا اختلاس منعقد شده باشد و حکم قطعی کیفری در آن زمینه صادر شده باشد، استثنا قائل می‌شود. در این صورت، هر شخص ثالثی

- قراردادهای متقابلانه: مثلاً اگر قرارداد ساخت‌وساز پوششی برای پول‌شویی باشد.

- قراردادهای با هدف غیرقانونی: مانند ساخت ساختمانی بدون مجوز یا برخلاف مقررات شهرسازی.

ب) اسبابی که موجب بطلان نسبی (قابل ابطال بودن) می‌شوند:

- سبب نامعین: مثلاً در جایی که پرداخت پیمانکار منوط به شرط مبهمی است.

- سبب صوری: در حالتی که قرارداد ظاهراً بدون عوض تنظیم شده ولی در واقع پرداختی پنهان وجود دارد.

در همین زمینه، قانون مدنی مصر در ماده ۱۳۶ خود آورده است: **«اگر تعهدی فاقد سبب باشد، یا سبب آن مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، قرارداد باطل است.»** یا اینکه در ماده ۱۳۷ قانون مدنی چنین آمده است: **«سبب ذکرشده در قرارداد، سبب واقعی فرض می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد. چنانچه دلیلی بر صوری بودن سبب ارائه شود، کسی که مدعی وجود سبب مشروع دیگری است باید ادعای خود را ثابت کند.»** از این مواد می‌توان سه اصل اساسی استخراج کرد:

۱) قرارداد بدون سبب، باطل است. اگر تعهد فاقد توجیه قانونی باشد، قرارداد قابلیت اجرا ندارد.

۲) سبب نامشروع، موجب بطلان قرارداد است. مثلاً در صورت وجود رشوه در مناقصه‌ی پیمان ساختمانی (Wafaey, 2025).

با این اوصاف، فرض بر مشروعیت سبب است مگر خلاف آن ثابت شود. بار اثبات نامشروع بودن سبب بر عهده‌ی مدعی است. به‌رحال از منظر تطبیقی باید گفت که در نظام‌های حقوقی ایران و مصر، مفهوم بطلان معامله ریشه در فقه اسلامی و قواعد عرفی دارد و هر دو کشور بطلان را به‌عنوان اثری حقوقی می‌شناسند که موجب زوال آثار عقد می‌شود. در فقه امامیه و به‌تبع آن در حقوق ایران، واژه‌های «بطلان» و «فساد» اغلب مترادف تلقی شده‌اند، زیرا هر دو به معنای بی‌اثری عقد در انتقال مالکیت یا ایجاد تعهد هستند. قانون مدنی ایران در مواد ۳۶۵، ۳۶۶ و ۸۱۳، بیع فاسد را فاقد اثر تملیکی دانسته و گیرنده مال را ضامن عین و منافع آن معرفی کرده است. بنابراین، در هر معامله فاسد، بازگرداندن مال به

نهایت اینکه از منظر شرع و نگرش فقهی، آثار و احکام به حکم عقل نیست، بلکه جعل شده از سوی شریعت است، پس حکم به آن نمی‌شود، جز با علم به ظن شرعی؛ با تعلق نهی به معامله علم و ظن شرعی بر ترتیب آثار و احکام معاملات حاصل نمی‌آید (فاضل تونی، ۱۴۱۵: ۱۰۶).

در نظام حقوقی ایران نیز دیدگاه‌هایی در ارتباط با بطلان معامله از منظر جرم‌انگاری معامله مطرح شده است. هرگاه عقد تسلیم شده باشد، به یکی از طرفین دعوی که آن را تسلیم کرده است، بازگردانده شود، به این دلیل که عقد فاسد، اثری در تملیک یا ایجاد تعهد و رابطه حقوقی نخواهد داشت (مستند به ماده ۳۶۵ ق.م و هیچ تملیک یا تعهدی جز در حیثه قانون، معتبر نیست. در این شرایط، حتی استرداد ثمن از بایع به‌عنوان جنبه و آثار فساد معامله قابل‌پذیرش است. در ماده ۳۶۶ از قانون مدنی ایران، گیرنده مال در ارتباط با تلف یا نقص، ضامن عین و منافع تلقی می‌شود و حسب ماده ۳۹۲، اگر در نزد مبیع، کسر قیمتی صورت گیرد، فروشنده باید از عهده تمام یا بخشی از ثمن برآید. بنابراین در مواردی که عقد فاسد، قابلیت اجرا دارد و در سایر عقود معوض نیز حاکم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۷۳). هرچند که در قوانین ایران، در ارتباط با بحث ضمان در فرض نقص مال، قانون موضع شفاف‌ی ندارد و در مباحث حقوقی کمتر به آن پرداخته شده است (شهیدی، ۱۳۹۳: ۸۲). بنابراین همان‌طور که در ضمانت، بیع فاسد را همانند غصب در نظر گرفته‌اند، در این‌باره نیز به عموماً غصب رجوع کردند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۰۱). مواد مختلفی از قانون مدنی با همین رویکرد به بحث پرداخته‌اند. از جمله در ماده ۳۱۱ در ارتباط با غصب بیان شده است: **«در صورتی که در غصب عین تلف شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد.»**

در نظام حقوقی مصر، با در نظر گرفتن اسباب صحت معامله، معیارهایی برای بطلان آن بیان شده است که هر یک بر جنبه خاصی از ارکان ابطال معامله توجه دارند. در این نظام حقوقی، بطلان یا قابلیت ابطال قراردادهای به علت سبب معیوب مطرح شده است، از جمله:

الف) اسبابی که منجر به بطلان مطلق می‌شوند (قرارداد باطل):

تحلیل بطلان معامله بر مبنای جرم‌انگاری کیفری نشان می‌دهد که میان نظام‌های فقهی و حقوقی ایران و مصر، پیوندی عمیق و ساختاری میان «نهی»، «فساد» و «بطلان» معامله برقرار است؛ پیوندی که در حقوق معاصر، صورت‌بندی جدیدی یافته و در قالب جرم‌انگاری نمود عینی پیدا کرده است. در این چارچوب، جرم‌انگاری را می‌توان تجلی مدرن نهی شرعی و عرفی دانست؛ به این معنا که قانون‌گذار با اعطای وصف کیفری به یک رفتار معاملاتی، نه تنها قصد منع آن را دارد، بلکه آثار حقوقی آن را نیز از حیث اعتبار و نفوذ، زائل می‌سازد. در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ایران، قاعده‌ی «دلالت نهی بر فساد» نقش محوری در تحلیل بطلان معاملات ایفا می‌کند. هرگاه نهی متوجه ذات معامله یا ارکان اساسی آن باشد، عقد فاقد اثر تملیکی و تعهدآور تلقی می‌شود و بطلان آن امری قهری خواهد بود. این رویکرد در مواد متعدد قانون مدنی ایران، از جمله مواد ۳۶۵، ۳۶۶ و ۳۱۱ بازتاب یافته است؛ به گونه‌ای که بیع فاسد نه تنها اثر حقوقی ندارد، بلکه ضمانت اجراهای مدنی و در مواردی کیفری را نیز به دنبال می‌آورد. در این نظام، استرداد مال به مالک اصلی، جبران منافع و حتی اعمال ضمان غاصبانه، از پیامدهای مستقیم بطلان معامله‌ای است که منشأ آن فعل مجرمانه یا ممنوع قانونی بوده است. از منظر کیفری، اهمیت جرم‌انگاری معاملات فاسد در این است که قانون‌گذار، علاوه بر نفی اعتبار حقوقی معامله، با پیش‌بینی مجازات، جنبه بازدارنده و پیشگیرانه‌ی قاعده بطلان را تقویت می‌کند. بدین ترتیب، بطلان معامله صرفاً یک ضمانت اجرای مدنی تلقی نمی‌شود، بلکه به ابزاری برای مقابله با رفتارهای ضداجتماعی، تضییع حقوق عمومی و اخلال در نظم اقتصادی تبدیل می‌گردد. این امر به‌ویژه در معاملاتی که با سوءنیت، فریب، غرور، یا علم به بطلان انجام می‌شوند، اهمیت مضاعف می‌یابد؛ زیرا در این موارد، عنصر روانی جرم، بطلان معامله را از سطح یک تخلف صرف، به سطح یک رفتار مجرمانه ارتقا می‌دهد.

در نظام حقوقی مصر نیز، بطلان معامله جایگاهی فراتر از یک نهاد صرفاً مدنی دارد و به‌طور گسترده در تعامل با حقوق کیفری تحلیل می‌شود. تفکیک میان بطلان مطلق و بطلان نسبی، امکان مداخله‌ی کیفری متناسب با درجه‌ی اخلال در

صاحب اصلی اصل اساسی تلقی می‌شود. این دیدگاه از فقه امامیه سرچشمه گرفته است که در آن نهی شرعی بر فساد و به تبع آن بر بطلان دلالت دارد، زیرا فعل منهی‌عنه واجد مفسده است و نمی‌تواند منشأ اثر مشروع گردد.

در نظام حقوقی مصر نیز بطلان و ابطال قراردادها بر پایه فقه اسلامی و اصول عدالت مدنی تنظیم شده است. ماده ۱۴۲ قانون مدنی مصر مقرر می‌کند که در صورت بطلان، طرفین باید به وضعیت پیش از عقد بازگردند. همانند حقوق ایران، اصل استرداد مال و جبران آثار بطلان مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر، قانون مدنی مصر با تمایز میان بطلان مطلق و نسبی، بطلان را نتیجه‌ی فقدان یا نامشروع بودن سبب می‌داند. از سوی دیگر، در معاملاتی که اکراه، غرر، شرط فاسد، ربا و ضرر باشد، فاسد است و نامشروع تلقی می‌شود (السنهوری، ۱۹۹۸: ۱۲۷). از نظر نظام کیفری مصر، معامله فاسد، معامله ناصحیح است و اگرچه عقد فاسد می‌تواند باعث ایجاد مالکیت شود، اما عقد باطل چنین اثری ایجاد نخواهد کرد. علاوه بر این، طبق مواد ۱۳۶ و ۱۳۷ این قانون، اگر تعهدی بدون سبب یا با سبب مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد، عقد باطل است. در نظام مصر، بطلان می‌تواند ناشی از مقاصد غیرقانونی مانند پول‌شویی یا قراردادهای صوری نیز باشد. به‌طور مثال اگر هدف از تجارت توسط افراد یا شرکت‌های تجاری، پولشویی و دور زدن قوانین با هدف کسب سود برای خود باشد، معامله فاسد تلقی شده و به تبع آن نیز باطل خواهد بود. مالکیت ناشی از چنین معامله‌ای غیرشرعی بوده و متعاملین به سهم خود مستحق مجازات کیفری خواهند بود. در مجموع، هر دو نظام کیفری، بطلان را مفهومی می‌دانند که آثار عقد را از بین می‌برد و به بازگرداندن وضعیت پیشین می‌انجامد. تفاوت اساسی آن‌ها در این است که حقوق ایران بیشتر بر مبنای فقه و مفهوم فساد استوار است، درحالی‌که حقوق مصر علاوه بر مبنای شرعی، معیارهای عقلانی و اخلاقی مدرن را نیز در تشخیص بطلان وارد کرده و میان بطلان مطلق و نسبی تفکیک قائل شده است.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- آل بحر العلوم، سید محمد (۱۳۶۲). *بلغیه الفقیه*. تهران: مکتب الصادق.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *محشی قانون مدنی*. تهران: انتشارات گنج دانش.

- داورپناه مقدم، سجاد و ناصری‌مقدم، حسین (۱۳۹۷). «بررسی و نقد دلایل بطلان معامله مشروط به عمل حرام (با تکیه بر دلیل حرمت اکل مال به باطل)». *مجله آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۱(۲۰): ۱۰۱-۱۲۹.

- شهیدی، مهدی (۱۳۹۳). *اصول قراردادها و تعهدات*. تهران: انتشارات مجد.

- شهیدی، مهدی (۱۳۷۹). *حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات*. تهران: نشر حقوقدان.

- صفایی، سید حسن (۱۳۸۶). *حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*. تهران: نشر میزان.

- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۳۷۸). *حاشیه المکاسب*. تهران: انتشارات دارالمعارف الاسلامیه.

- قبولی درافشان، سیدمحمدهادی؛ فخعلی، محمدتقی؛ حائری، محمدحسن (۱۳۹۴). «واکاوی وضعیت حقوقی معامله با جهت نامشروع». *فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲: ۴۸-۱۹.

نظم عمومی و اخلاق حسنه را فراهم می‌سازد. قانون مدنی مصر، به‌ویژه در مواد ۱۳۶، ۱۳۷ و ۱۴۲، فقدان سبب مشروع، نامشروع بودن هدف، یا صوری بودن قرارداد را از موجبات بطلان دانسته و بازگرداندن طرفین به وضعیت پیشین را لازمه‌ی آن تلقی کرده است. افزون بر این، در مواردی که معامله بر پایه جرائمی نظیر رشوه، اختلاس یا پول‌شویی منعقد شده باشد، قانون‌گذار مصری صراحتاً راه را برای دخالت کیفری و حتی طرح دعوی ابطال توسط اشخاص ثالث هموار کرده است. نکته‌ی قابل توجه در هر دو نظام، نقش پررنگ عرف و عقلانیت اجتماعی در تشخیص مصادیق بطلان و جرم‌انگاری معاملات است. عرف، به‌عنوان مبنای شکل‌گیری مالیت و ارزیابی مشروعیت معاملات، در کنار شریعت و قانون، معیار تشخیص فساد و بطلان قرار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که بطلان معامله، مفهومی ایستا و صرفاً تعبدی نیست، بلکه متأثر از تحولات اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی، قابلیت تفسیر پویا دارد. در نتیجه، جرم‌انگاری معاملات فاسد، بازتابی از حساسیت نظام حقوقی نسبت به حفظ اعتماد عمومی، امنیت اقتصادی و عدالت معاملاتی است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که در هر دو نظام حقوقی ایران و مصر، بطلان معامله بر مبنای جرم‌انگاری کیفری، ابزاری مؤثر برای هم‌افزایی میان حقوق مدنی و حقوق کیفری محسوب می‌شود. این رویکرد، با نفی آثار حقوقی معامله و اعمال ضمانت اجراهای کیفری، از یک‌سو حقوق اشخاص زیان‌دیده را حمایت می‌کند و از سوی دیگر، با پیشگیری از تکرار رفتارهای مجرمانه در عرصه معاملات، به تأمین نظم عمومی و اخلاق حسنه یاری می‌رساند. تفاوت اصلی دو نظام در نحوه صورت‌بندی و دامنه‌ی این جرم‌انگاری است؛ به‌گونه‌ای که حقوق ایران بیشتر بر مبانی فقهی و مفهوم وحدت فساد و بطلان تکیه دارد، درحالی‌که حقوق مصر با پذیرش نسبی‌گرایی و معیارهای مدرن، بطلان را در پیوندی نزدیک‌تر با سیاست کیفری و اهداف پیشگیرانه تحلیل می‌کند.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۸). کتاب *البيع*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

### ب. منابع انگلیسی

- Ashraf Nassim (2018), Legal Steer Law Firm Egypt Law Firm Website: <https://legalsteer.com/2018>.

- El Sharkawy, Ahmed. (2014, April 15). Egypt restricts annulment actions against government-investor contracts. Retrieved from [https://sharkawylaw.com/egypt-restricts-annulment-actions-against-government-investor-contracts/?utm\\_source=chatgpt.com](https://sharkawylaw.com/egypt-restricts-annulment-actions-against-government-investor-contracts/?utm_source=chatgpt.com)

- Noor, Mahdi. (2022, May 19). Annulment of sale contracts without a specified price. Andersen in Egypt. <https://www.mondaq.com/contracts-and-commercial-law/1194122/annulment-of-sale-contracts-without-a-specified-price>

- Wafaey, M. (2025, February 19). The cause of a contract in construction agreements: A legal analysis. LinkedIn. <https://www.linkedin.com/pulse/cause-contract-construction-agreements-legal-analysis-mahmoud-wafaey-ywvof>

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق*. جلد سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

### ب. منابع عربی

- ابن شهید ثانی، حسن بن زین‌الدین (بی‌تا). *معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ابولسعود، رمضان (۱۹۸۶). *مبادئ التزام فی القانون المصری و اللبنانی*. بیروت، دارالجامعیه.

- الجزیری، عبدالرحمن (۱۹۸۶). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. بیروت، دارالحیاه التراث العربی.

- السنهوری، عبدالرزاق (بی‌تا). *نظریه العقد*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- السنهوری، عبدالرزاق (بی‌تا). *مصادر الحق فی فقه الاسلامی*. بیروت: دارالحیاه التراث العربی.

- السنهوری، عبدالرزاق (۱۹۹۸). *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۶). *تمهید القواعد*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). *کتاب المکاسب*. جلد ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.

- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۲۵). *مطرح الانصار*. جلد اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). *العهده فی اصول الفقه*. قم: انتشارات محمدتقی علاقمندیان.

- فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۵). *الوافیه فی اصول الفقه*. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.

- قدیری، محسن (۱۴۰۷). *البيع (تقریرات درس حضرت امام خمینی (ره))*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.